



ن. آ. خالین - ترجمه ابوالفضل آزموده

## نیکلای خانیکف

... نیکلای خانیکوف از مشاهیر خاورشناسان روس پس از ختم تحصیلات

خود که قسمتی را در فرانسه به انجام رسانید در شعبه روابط داخلی وزارتخانه منصوب شد و از اواخر ماه فوریه سال ۱۸۳۸ م. شروع به کار کرد. ولی نامبرده مدت زیادی در پایتخت ننماید و در تاریخ ۱۵ سوامبر سال ۱۸۳۸ م. به سمت مأمور دولت در مأموریه‌های خاص در ایالات "چرنیکوفسکی"، "پولتافسکی" و "خارکف" انتخاب شد و در تاریخ ۱۷ مارس سال ۱۸۳۹ م. با همان پست در نزد حاکم نظامی ایالت "ارنبورگ" مشغول به کار شد. (۱)

سال ۱۸۳۹ م. دوران فعالیت سیاست خارجی امپراتوری بریتانیا یعنی رقیب روسیه در شرق میانه و آسیای میانه بود. انگلیسیها در سالهای ۱۸۳۸-۱۸۳۷ م. ایران را مجبور کردند تا هرات را محاصره کند و این موفقیت دیپلماتیک آنان بود. انگلیسیها بازم موفقیت بزرگتری را در افغانستان بدست آوردند و دوست محمدخان (۱۸۶۳-۱۷۹۴ م.) (۲) امیر مستقل آنجا را سرنگون کردند و شاه شجاع‌الملک (۳) دست‌نشانده خود را بجای آن گذاشتند. این موفقیت دیری نپائید و در نتیجه قیام عمومی افغانها در سال ۱۸۴۲-۱۸۴۱ م. شاه شجاع‌الملک به‌مراه پانزده هزار نفر از لشکریان اشغالگر بریتانیا نابود شد.

حکومت تزاری نیز سعی داشت تا مواضع سیاسی و اقتصادی خود را در این منطقه مستحکم سازد. لکن سعی در توسعه روابط اقتصادی با خان‌نشینهای آسیای میانه مواجه با مخالفت از طرف خان‌نشین خیهو شد. پترزبورگ خیهو را متهم به سعی در برقراری حاکمیت خود بر قبایل و طوایف تبعه روسیه ساکن در گازاخستان و دستبرد به کاروانهای محمولات و کالاها که از ارنبورگ به بخارا و خوقند رفت و آمد داشتند، می‌کرد. همچنین این اتهام را عنوان می‌کرد که اسیران روسی را که به‌نگام فرار بطرف خطه ارنبورگ دستگیر شده بودند، در شرایط بردگی نگهداری می‌کنند. در ماه مارس سال ۱۸۳۳ م. واسیلی آلکساندروویچ پروفسکی (۱۸۵۷-۱۷۹۵ م.) از نزدیکان نیکلای اول و محبوب وی به سمت حاکم

نظامی، در این خطهٔ مقدم امپراتوری روسیه برگزیده شد. اشخاصی که اطراف پروفسکی بودند عبارت بودند از: و. ی. دال (۱۸۷۲-۱۸۰۱ م) - زبان‌شناس، و نویسنده، آ. آ. الیابیف (۱۸۵۱-۱۷۸۷ م) - آهن‌گاز و برادران خانیکوف.

پروفسکی بعنوان مهم‌ترین تدبیر بمنظور اعمال توسعهٔ نفوذ روسیه در این منطقه پیشنهاد کرد به خان‌نشین خیهو لشکرکشی نظامی بشود که تدارک آن را در سال ۱۸۳۹ م. دیده بود.

این لشکرکشی در فصل زمستان مواجه با شکست و ناکامی کامل گردید. بوران و سرمای سخت، کمبود آذوقه و غلیق، سقط شدن شترها، مرگ و میر زیاد در میان سربازان و قزاقان علل ناکامی در رسیدن لشکریان پروفسکی به خیهو بوده است.

با این وصف دولت روسیه خدمات عدهٔ زیادی از شرکت‌کنندگان در این لشکرکشی را تقدیر کرد. در میان این افراد نیکلای خانیکوف منشی بود که در سال ۱۸۴۰ م. طبق پیشنهاد پترال آجودان پروفسکی ملقب به عنوان مشاور گردید، چون در این مأموریت (لشکرکشی) "مکاتبات" بعهدم او بوده که "قبلا" مشغول جمع‌آوری اطلاعات مختلف در باره خیهو" (۴) بوده است.

دوماه قبل از این جریان یعنی در تاریخ ۲۰ ژوئیه خانیکوف بسه ادارهٔ امور آسیایی وزارت امور خارجه منتقل شد و بعنوان مترجم رتبهٔ نهم برای حاکم نظامی ایالت ارنبورگ مأموریت یافت. این امر نیز به میزان زیادی مربوط به استعداد خارق‌العاده زبان‌شناسی نیکلای خانیکوف بوده است که شروع به فراگیری زبانهای شرقی بصورت خودآموزی نموده بود و پیشرفتهای اساسی داشته است.

بدین ترتیب آشنائی عملی خانیکوف با آسیا شروع شد و به مطالعه و تحقیق در احوال ملل و کشورهای پرداخت و بزودی پروفسکی وظیفهٔ پر مسئولیتی را به او واگذار می‌کند.

در بهار سال ۱۸۴۱ م. وقتی که مأموریت بسیار مهم مهندس معدن - سرهنگ دوم ک. ف. بوتنیف (۱۸۶۹-۱۸۰۵ م.) برای خان‌نشین خیهو معلوم گردید، حاکم نظامی لازم دانست نیکلای خانیکوف را جزو آن هیئت اعزام بدارد، حتی بدون کسب موافقت از پتربورگ.

در ۲۲ آوریل سال ۱۸۴۲ م. پروفسکی به دبیر ادارهٔ امور آسیایی - ل. ک. سینیاوین (۱۸۶۲-۱۸۰۵ م.) نوشت: "آنچه که مربوط به اعزام خانیکوف ملقب به مشاور به بخارا می‌شود، آن را کاملاً ضروری می‌دانم، زیرا سرتیپ بوتنیف (که بزودی درجه سرهنگ دومی گرفت. ن. خالفین) با جغرافیای آسیای میانه و روحیهٔ ساکنان آن و بخصوص بخارا آنها، آشنائی کمی دارد... ضمناً وقت کم باقیمانده برای ورود میسیونها افسر مذکور را از امکان کسب اطلاعات لازم محروم می‌سازد (همزمان با بوتنیف پ. نیکفورف نیز برای خان‌نشین خیهو آماده سفر شد. ن. خالفین) لذا با اینکه ممکن است مواجه با مخالفت شعبهٔ سوم وزارتخانه شوم، تصمیم گرفتم حتی قبل از دریافت پاسخ از پتربورگ، در

صورتیکه تا قبل از عزیمت میسیونها بدلائلی این پاسخ نرسد، خانیکوف را اعزام دارم" (۵)

برای مسافرت خانیکوف پولی اختصاص داده نشده بود، زیرا حاکم حاضر بود حتی به این وضعیت هم بی اعتنا باشد، مهم این بود که نیکلای خانیکوف حتماً جزو این هیئت اعزامی باشد. پروفسکی در نامه خود چنین ادامه می دهد: "بدون شک بسیار مفید خواهد بود که قسمتی از مخارج خانیکوف را از محل خزانه دولت تامین اعتبار کنند و اما اگر از این بابت مشکلاتی وجود داشته باشد آنوقت می توان این مخارج را از مبلغ اختصاص داده شده برای میسیونها جبران کرد..." (۶)

در چنین موردی باید ممنون سماجت و پافشاری حاکم باشیم، چونکه اگر هیئت بوتینف اهمیت خاصی بخود گرفت تنها در نتیجه شرکت نیکلای ولادیمیریویچ خانیکوف در آن هیئت و آنها نه تنها در خود بخارا، بلکه در مراجعت از آنجا نیز بوده است.

بوتینف با مشایعت خانیکوف، لمان طبیعت شناس و با گاسلوفسکی زمین شناس در روز سوم ماه مه سال ۱۸۴۱ م. ارنبورگ را ترک کرد و در تاریخ ۵ اوت وارد بخارا شد. مذاکرات هشت ماه طول کشید. در تاریخ ۸ آوریل سال ۱۸۴۲ م. دیپلماتها برای بازگشت براه افتادند، درحالیکه حتی یکی از پیشنهادهای آنها هم پذیرفته نشده بود. این پیشنهادها عبارت بودند از: بهبودی شرایط بازرگانی روسیه با بخارا، تامین امنیت جانی و مالی بازرگانان روسی در این خان نشین، آزادی اسیران و غیره (۷). مع الوصف "نشست" هشت ماهه در یکی از مراکز نیمه بسنه اسلامی آن زمان برای دنیای علم و دانش استفاده اساسی داشته است.

ن. و. خانیکوف در مراجعت خود به پتربورگ در اول ژانویه سال ۱۸۴۲ م. مقدمه کتاب بسیط خود تحت عنوان "تشریح خان نشین بخارا" (۸) را نوشت. این اثر در واقع اولین تحقیق موثق در زمینه شرایط اقلیمی و طبیعی بخارا، ترکیب نژادی اهالی آن، خصوصیات توسعه صنایع و کشاورزی، دستگاه اداری و زندگی فرهنگی مردم آن بوده است. مؤلف این کتاب، ناظر دقیق و تیزبینی نشان داده شد. او خواننده را با جوانب بسیار مختلف زندگی خان نشین آشنا کرده و متن را با "نامگذاریهای الفبائی" به دوزبان روسی و فارسی (در ۴۰ صفحه) که این نامها در کتاب آمده بوده و همراه با نقشه های شهرهای سمرقند و بخارا و حومه تکمیل نمود.

شرح و وصف دستگاه داخلی این حکومت آسیای میانه نه تنها برای علم و دانش، بلکه برای تعیین مشخصات نظریات ن. و. خانیکوف هم دارای اهمیت بسیاری بوده است. فصل مربوط به "دستگاه اداری" با وضوح کافی اینطور شروع می شود: "در رأس این خان نشین امیر قرار دارد. دادن حق حیات و مرگ افراد فقط حق مسلم او است. تمام شهرها، قصبات و مردمی که در این خان نشین هستند در ید قدرت و در اختیار او می باشند. گوئی همه چیز به قوانین اسلامی یعنی قرآن، تفسیر و حدیث اهل تسنن محدود است." (۹)

وی سپس به بررسی دقیق وضع "عمال" (کارمندان) بشمار و مختلف لشکری، درباری و مذهبی خان‌نشین بخارا، اختیارات و وظائف آنها، وضع تعلیمات با ذکر کتابهای درسی که شاگردان مدارس می‌بایست بخوانند و فرا گیرند و غیره می‌پردازد.

ن. و. خانیکوف حتی وضع کشاورزی آن نواحی را از نظر دور نداشت. او ۱۲ نوع انگور بخارا، ۸ نوع سیب، ۱۰ نوع خربوزه، ۹ نوع کدو را نام می‌برد و به تشریح آنها می‌پردازد. خصوصیات کشت بادام، سجد و پنبه را نیز ذکر می‌کند.

طبیعی است در اینجا نمی‌توان تمام مطالب این کتاب را که حکومت سلطنتی قنودال - مذهبی را تصویر نموده است، بازگو کرد. کافی است بگوئیم که معاصران این "دائرة المعارف بخارا" را بحق ارج گذاشتند و این کتاب بزودی بزبانهای خارجی ترجمه و نشر گردید.

با گذشت هفتاد سال پس از انتشار اثرن. و. خانیکوف، آکادمیسین و. و. بارتولد چنین نوشت: "از آن زمانی که محققان روسی بسیاری امکان داشتند تا در شرایط بهتری نسبت به شرایط خانیکوف از خان‌نشین بخارا دیدن کنند، در این مقایسه کتاب خانیکوف بهترین تشریح از این امرنشین می‌باشد. . . ارزش استثنائی بودن کتاب خانیکوف بازم موجب تعجب بیشتری می‌گردد که بگوئیم مؤلف در آن زمان یعنی در موقع اقامت خود در بخارا نوزده سال داشت و بهنگام انتشار کتاب ۲۱ ساله شده بود" (۱۵)

با مراجعت هیئت ک. ف. بوتنیف فرستاده پروفسکی از بخارا مرحله زندگی در "ارنبورگ - آسیای میانه" ن. و. خانیکوف، اگر بشود اینطور گفت، خاتمه می‌یابد. حدود دوسال و نیم (از اوت سال ۱۸۴۲ م. تا ژانویه سال ۱۸۴۵ م.) این خاورشناس تازه‌کار وقت خود را در پایتخت گذراند، معلومات خود را درباره مشرق‌زمین عمیق‌تر کرد. و با کارهای اداره امور آسیائی (وزارت امور خارجه) آشنا شد که برای فعالیت‌های عملی بعدی وی ضروری بود. مدتی "دایره اول شعبه دوم" (۱۱) را اداره کرد. از جمله کارهای دایره اول عبارت بود از: امور "ملل چادرنشین نواحی قفقاز، آسترخان و قسمتی از ایالت ساراتف و همچنین قرقیزها و قپچاق‌ها و کلیه عشایر." (۱۲)

خانیکوف آماده احراز پست جدید شد. در تاریخ ۳۱ ژانویه سال ۱۸۴۵ م. به تغلیس و به دفتر دیپلماتیک اداره کل نواحی ماورای قفقاز ماوریت یافت. اهمیت این مؤسسه که در آن موقع الکساندر سرکیویچ گریبایدف در آن کار می‌کرد، از این نظر فرق داشت که حکومت‌های قفقاز در مناسبات خود با کشورهای همسایه یعنی ایران و امپراتوری عثمانی دارای نوعی آزادی عمل بوده‌اند و کارمند اداره امور آسیائی وظیفه داشت مراقب منافع عمومی دولت مطابق قرار و مدارهای دیپلماتیک و مبادله سفیر و غیره باشد.

چنین وظایفی یعنی وظائف مشابه سیاست خارجی همچنین به تشکیلات اداره ارنبورگ و سبیری خاوری نیز داده شده بود.

ن. و. خانیکوف با سمت صاحب‌منصب برای مأموریت‌های خاص در دستگاه م. س. وارنتسف - حاکم محلی قفقاز، علاقمندی زیادی نسبت به زندگی معنوی و فرهنگ اهالی محل ابراز می‌داشت. وی مباحث دین اسلام و خصوصیات انتشار آن در قفقاز و ماورای قفقاز را مورد مطالعه قرار می‌داد. این کار در آن سالها نه تنها دارای اهمیت علمی، بلکه تجربی نیز بود. نتایج این تحقیقات و مطالعات در کتابها و در صفحات مطبوعات ادواری منعکس می‌شد. مثلاً در سال ۱۸۴۶ م. "ترجمه احکام مسلمانان درباره جنگ" (۱۳) و در سال بعد اثر دیگر خود را تحت عنوان "درباره مراد و مرید" (۱۴) با تفصیل انتشار داد.

ن. و. خانیکوف بعنوان اسلام شناس مورد قبول افتاد. و تصادفی نبود که م. س. وارنتسف مخصوصاً مشکل‌ترین مأموریتها را به او واگذار می‌کرد. وی در سال ۱۸۴۸ م. بنا به دستور حاکم محلی به نواحی ماورای قفقاز سفر می‌کند و شروع به جمع‌آوری اطلاعات درباره روحانیون اسلامی می‌کرد. در نتیجه این مسافرت وارنتسف او را مورد تعریف و تمجید فراوان قرار می‌دهد و در نامه مورخ ۲۵ ژوئیه سال ۱۸۴۹ م. به آ. ای. چرنیشف - رئیس کمیته قفقاز می‌نویسد که نظر به ضرورت لازم "اختیارات روحانیون مسلمان در ماورای قفقاز، ترتیب اعمال این افراد و غیره" را تعیین نماید و برای این کار مطالعه مسئله مزبور را به ن. و. خانیکوف محول کرده است. وی در نامه خود چنین ادامه می‌دهد: "او پنجمین سال است که در نواحی ماورای قفقاز اقامت دارد، زبانهای شرقی را خوب می‌داند و به همین جهت امکان یافت تا وارد مطالعات و تحقیقات مفصل و دقیق درباره روحانیون مسلمان گردد که برای تنظیم بدون اشتباه چنین کاری مهم و وسیع ضرورت دارد" (۱۵)

ن. و. خانیکوف در ژوئیه سال ۱۸۴۹ م. "طرح نظامنامه مربوط به روحانیون مسلمان طرفداران علی (ع)" (۱۶) را تهیه و ارائه داد. در این طرح تأسیس محاکم شرعی در ماورای قفقاز پیش‌بینی شده و اختیارات و وظائف روحانیون شیعه نیز تعیین گردیده بود. این سند همانطوری که مؤلف آن عمل می‌کرد، براساس تجزیه و تحلیل دقیق و همه‌جانبه استوار بود. سند مذکور با اینکه از طرف حکومت تزاری بمرحله اجرا درنیامد، (۱۷) مورد توجه شورای اداره کل نواحی ماورای قفقاز قرار گرفت.

"توضیحات مربوط به طرح" (۱۸) خانیکوف بسیار جالب توجه است و شامل بررسیهای تاریخی اعمال دولت در ایجاد تشکیلات روحانیون مسلمان ماورای قفقاز (مثلاً از ربع اول قرن نوزدهم)، اطلاعاتی در باره ترکیب و خصوصیات روحانیون همراه با مدارک و ارقام آماری و واقعی، و همچنین پایه و اساس نظامنامه ارائه شده درباره فعالیت‌های روحانیون مسلمان ماورای قفقاز، می‌باشد که طرح قانونی پیشنهادی در آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مطالب جمع‌آوری شده و تدوین شده توسط ن. و. خانیکوف تا به امروز نیز تازگی خود را از دست نداده است. خاورشناس شوروی - ن. آ.

اسیرن‌ف که به‌نحو وسیع و شریک‌بخشی به مسائل اسلام‌شناسی سروکار دارد، می‌نویسد: "نتایجی که وی ضمن مطالعه مرادجویی در قفقاز آن زمان بدان رسیده، اساساً با نقطه‌نظر خانیکوف مطابقت دارد." (۱۹)

طبع فعال دانشمند مذکور بوی اجازه نمی‌دهد که به جوانب این وظائف خدمتی (ماوریت) بپردازد (هرچند این وظائف نیز، بطوریکه می‌بینم، برای علم مفید بوده است). وی با موفقیت به جستجوی نوشته‌های شرقی می‌پردازد و مجموعه کتیبه‌های گرانبهای را جمع‌آوری می‌کند. اما در باره اینکه تنظیم‌کننده آنها ن. و. خانیکوف بوده است، موضوع فراموش می‌شود و تنها پس از گذشت یکصد سال و آ. کراچکوفسکا - یا این موضوع را معلوم و آشکار می‌سازد (۲۰)

بطورکلی سالهای اقامت در ماورای سلسله جبال قفقاز بمیزان قابل ملاحظه‌ای دایره خاورشناسی وی را گسترش داده و کاملاً شریک‌بخش بوده است. علاوه بر این می‌توان حدس زد که بعد مسافت و دوری از پایتخت جهت زندگی کاملاً محلی برای او نقش خود را داشته است.

در اینجا مقایسه با مؤلف برجسته "بدبختی هوش زیاد داشتن" مطرح می‌گردد (۲۱). اقامت آ. س. گریبایدوف در قفقاز که روزی در آنجا بوده است باعث شد تا از محکومیت در فعالیت دکا پرستیها (۲۲) نجات یابد. هرچند بطوری که مشهود است از سوءظن و اتهامات شرکت در بوطه‌ای که کلیه دوستانش دستگیر شده بودند، رهایی نیافت، وقتی که با گذشت یک ربع قرن یعنی در آوریل سال ۱۸۴۹ م. بر اثر گزارشی محرمانه و تحریک‌آمیز "پتراشفتس‌ها" دستگیر شده بودند، معلوم شد که کانون اصلی "میکربهای واگیر و شورشهای ضد دولتی وزارت امور خارجه (چه وحشتناک) و قبل از همه اداره امور آسیائی آن بوده است.

درواقع رهبر "محلل تنفرانگیز" یعنی م. و. بوتاشویچ پتراشفسکی دارای لقب مشاور بعنوان مترجم مرتبه دوم در اداره روابط داخلی وزارت امور خارجه کار می‌کرده است. همدستان وی نیز معلوم شدند و عبارت بودند از: ن. س. کاشکین با لقب مشاور ای. م. م. دبو منشی انجمن که معاونان اداره امور آسیائی بودند، د. د. آخشاروف و ک. م. دبو کارمندان همین اداره.

در تاریخ ۱۳ ماه مه سال ۱۸۴۹ م. ل. و. دولت متصدی دایره سوم به ای. آ. فایوکف رئیس کمیسیون تحقیق اطلاع داد که طبق دستور ل. گ. سنیاوین مدیر اداره امور آسیائی که بطور موقت در راس وزارت امور خارجه بود، میز تحریر یکی از برادران دبو را تفتیش نموده و در میان اسناد رسمی "اوراق شخصی حاوی مطالب ضدقانون و چند جلد کتاب" کشف کرده که به دایره سوم تحویل داده است. (۲۳)

جای شک و تردید نیست که ن. و. خانیکوف محکوم‌کننده استبداد آسیائی نسبت به استبداد نیمه‌آسیائی - نیمه اروپائی نفوذ پتربورگ هم رغبت چندانی نداشته است و ممکن بود هم‌مدیف برادر و دوستان هم - اداره‌ای خود در پشت میز متهمانی قرار بگیرد که برگه‌های آنان توسط سنیاوین کشف شده بود. لکن خانیکوف در آن زمان در قفقاز و در "سیری

گرم " اقامت داشته است .

سرکوبی شدید اعضاء این محفل که تمام تقصیر آنان بحث در اطراف مسائل سیاسی و تلاش در تبلیغ فکر سوسیالیسم تخیلی " توریه " (۲۴) بوده و تا اندازه‌ای هم باعث وحشت در میان محافل حاکمه امپراتوری روسیه از انقلابهای سال ۱۸۴۸ م. در یکسری از کشورهای اروپائی بوده است، ن. و. خانیکوف را مضطرب و متزلزل ساخت .

بخصوص اینکه وی سرنوشت برادر کوچک خود را متحمل شده بود و برای اینکه تخفیفی در کارش حاصل گردد وساطت کرده بود. ولی تعیید و مرگ برادر کوچک نیکلای ولادیمیرویچ (خانیکوف) را تکان داد و مایه ناراحتی بسیار او شد. خانیکوف برای اینکه حتی یک ساعت هم در این افکار سنگین فرو نرود، کارهای خود را کاملا" زیاد کرد، کارهایی که اغلب از چهارچوب وظائف دیپلمات صاحب منصب در دستگاه حاکم محلی خارج بود. مثلا" در ۱۸۵۱ م. ن. و. خانیکوف همراه با ای. ای. مادزکوی نقشمبردار (۲۵) برای اولین بار به ارتفاعات آرارات بزرگ صعود کرد. در اینجا صحبت از کوهنوردی ساده نیست، بلکه صحبت از وقایع بسیار مهم برای علم جغرافیا است که توانستند حدود صد معدن در آن منطقه کشف و معین نمایند. (۲۶)

در ژوئیه سال ۱۸۵۰ م. بنا به ابتکار آ. و. گالابین (منشی انجمن جغرافیائی روسیه از ژانویه سال ۱۸۴۶ م. الی مارس ۱۸۴۸ م.) قسمت امور قفقاز در انجمن جغرافیائی روسیه به تصویب رسید و شروع بکار نمود. ن. و. خانیکوف تا سال ۱۸۵۵ م. در سمت معاون " رئیس انجمن " مشغول کار بود و اما نظر به اینکه " رئیس " قاعدتا" آدم متنفذی بوده و خود را از کارهای زیاد کنار می کشید، کلیه کارهای سرپرستی به گردن خانیکوف افتاد. مع الوصف وی نه تنها شکایتی نداشت، بلکه برعکس خود را نمونه " حیرت انگیز کار دوستی نشان می داد .

ن. و. خانیکوف در چاپ دوم " یادداشتهای قسمت امور قفقاز در انجمن جغرافیائی روسیه " که در سال ۱۸۵۳ م. انتشار یافت، مقاله " مفصل و جامع خود را " در باره تغییرات متناوب سطح دریای خزر " (۲۷) بچاپ رسانید. این مقاله بصورت نمونه " سبک خانیکوف " نوشته شده بود که پر از مطالب همراه با نمونه‌های اقتباس شده از منابع کاملا" جامع و از کتابهای ادبیات جهانی یعنی از مؤلفان و نویسندگان روم و یونان قدیم، منابع شرقی و مورخان قرون مختلف تا متخصصان معاصر بوده است. در بوجود آوردن این اثر و کار روی این موضوع که از کتابها و مقالات به زبانهای اروپائی، فارسی و عربی و قبل از هر چیز از مشاهدات شخصی استفاده شده بود، نه تنها اهمیت علمی بلکه اهمیت تجربی آن نیز تا آن زمان هنوز بکار گرفته نشده بوده است .

یکسال قبل از این ن. و. خانیکوف به مسافرت نسبتاً طولانی به نواحی کردنشین ایران پرداخت. این مسافرت استفاده زیادی داشت، زیرا در آن زمان درباره نواحی مذکور، معیشت و آداب و رسوم اهالی آن تقریباً اطلاعاتی در دست نبود. نتیجه این سفر مقاله " سفری به

کردستان ایران" (۲۸) بود.

این مقاله هرچند زیاد نبود، ولی نشان‌دهنده توسعه توجه و علاقه بعدی این دیپلمات خستگی‌ناپذیر و خاورشناس و جغرافیدان بوده است. معاصران وی در آن زمان ثمرات کار او را ارج گذاشتند. پ. س. ساولیف (۲۹) خاورشناس بزرگ در این باره نوشت: "آقای خانیکوف عضو وابسته کنونی فرهنگستان علوم با سفر معروف خود به بخارا و تالیف کتاب "تشریح خان‌نشین بخارا" یکی از اولین بنیانگذاران و دانشمندان خاورشناسی ما می‌باشد. با اقامت وی در ماورای قفقاز و ایران دنیای علم مدیون اکتشافات و توضیحات در باره آثار مختصر و مفید خطی می‌باشد که در خدمت تکمیل تاریخ مشرق زمین بوده و چندی قبل قسمت ناشناخته "تاریخ رشیدالدین" معروف را پیدا کرده است. تحقیقات علمی ن. و. خانیکوف در بولتن فرهنگستان علوم و در "یادداشت‌های انجمن باستانشناسی" و در "یادداشت‌های قسمت امور قفقاز در انجمن جغرافیائی" چاپ و منتشر می‌گردید" (۳۰).

این سطور در سال ۱۸۵۶ م. یعنی تا قبل از پیدایش کارهای بزرگ و زیاده ن. و. خانیکوف برشته تحریر درآمده و منتشر شده است. یادآوری ایران تصادفی نیست و این کشور بسیار باستانی همیشه در معرض دید دانشمند مذکور قرار داشته است. تغییر محل خدمت تا اندازه‌ای کمک کرد تا وی بتواند تمام توجه خود را معطوف به آشنائی با این کشور همسایه روسیه بنماید.

در سالهای ۱۸۵۷-۱۸۵۴ م. ن. و. خانیکوف پست بسیار مهمی بدست می‌آورد دو سر کنسول روسیه در تبریز دومین شهر بعد از تهران و مرکز آذربایجان ایران می‌شود.

نیمه دوم دهه پنجم قرن نوزدهم زمان خاصی برای روسیه بوده است. شکست نظامی تزار و فتوئالی در جنگ کریمه، روسیه را وادار کرد تا اصول اساسی بسیاری را در سیاست و قبل از همه در سیاست خارجی خود مورد تجدید نظر طاقت‌فرسا قرار دهد.

شاید برای اولین بار بود که دولت تزار شروع به درک عقب‌ماندگی واقعی اقتصادی و همچنین نظامی و سیاسی نسبت به کشورهای غربی نمود که در آن کشورها در آن زمان انقلاب بورژوازی موفق بوده است. در هر صورت برای پتربورگ دیگر درنگ جایز نبود که نیروهای خود را متمرکز کند.

این موجبات و تأثیرات نظریات سیاست خارجی جدیدی را بخصوص در زمینه اینکه روسیه مرکز ثقل فعالیت‌های دیپلماتیک و فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی را از اروپا به آسیا منتقل نماید، بوجود آورد (۳۱). یکی از اقدامات مهم در این جهت می‌بایست اعزام مأموران کاملاً تکمیل و بطور اساسی مجهز به استان شروتمند ایران یعنی خراسان باشد.

مبتکر این فکر نیکلای خانیکوف بود. وی در تاریخ ۱۳ سپتامبر سال ۱۸۵۷ م. با رتبه مشاور پیوسته کشور و بعنوان ترجمان رتبه پنجم در اداره امور آسیائی منصوب و به حکومت قفقاز که تا اول ژانویه سال





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بوده است " (۳۳) دانشگاه "دروپات" (۳۴) برای شرکت در این هیأت پروفیسور آ. بونگه را بعنوان گیاه‌شناس و پیرشک (دستیار وی دانشجویی بنام بیزت بود) و آ. کیوبل را برای تحقیقات زمین‌شناسی اعزام داشت. از طرف انستیتوی تکنولوژی پهن‌بورگ - ر. ا. لنتس جغرافیدان و از طرف وزارت دریاداری ناخدا ریستوری ما موریت یافته بودند. ضمناً کنتی. گیزرلینگ نیز با هزینه شخصی خود بعنوان سیاح به‌براه این هیئت اعزام سفر گردید. این هیئت اعزامی را همچنین دو نفر نقشه‌بردار هم بنا<sup>۱</sup> و آرینوف و بتروف همراهی می‌کردند. در روزگار ما چنین هیأت‌ها را هیأت "کامل" می‌نامند.

\* برای ما شناختن مستشرقین و ایران‌شناسان واجب است هر کس چه کرده و چه نیتی داشته است، خانی از فای آن افراد در مملکت خودشان به چه نوع معرفی شده

۱- آرشو ساسک خارجی روسیه، ق.

اقتصادی، برگهای ۶ و ۷

۲- در سالهای ۱۸۳۹ - ۳۶

می‌کرده است.

۳- در سالهای ۱۸۰۹

می‌کرده است.

۴- آرشو -

۵- آرشو

۶- آ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- ۱۷- پروفسکی وزیر امور داخله امپراتوری روسیه اعتراف کرد که این "نظامنامه" اختیاراتی استثنائی بدست محاکم شریعت (حاکم شرع) می‌دهد که "دادن چنین قدرتی بدست روحانیون خطرناک است" (در همان کتاب، صفحات ۳۹۰ و ۳۹۱)
- ۱۸- در همان کتاب، صفحات ۳۸۸-۳۶۴.
- ۱۹- ن. آ. اسمیرنوف، مریدیزم در قفقاز، سال ۱۹۶۳ م. صفحه

۸۵

- ۲۰- و. آ. کرچکوفسکایا، آلبوم ناشناخته کتیبه‌های عربی و فارسی "کتیبه‌های شرق"، سال ۱۹۴۸ م. صفحات ۴۰-۱۹
- ۲۱- منظور آ. س. گریبایدوف درام نویس و دیپلمات روسی است که در آخرین مأموریت سیاسی خود در تهران که بعنوان وزیر مختار دولت روسیه تزاری در ایران خدمت می‌کرده بر اثر بعضی تحریکات و بسته شدن بازار تهران و حمله مردم به سفارت روسیه به قتل رسید. (مترجم)
- ۲۲- دکابریستها عنوان یکی از انجمن‌های مخفی ضد تزاری بود که عده‌ای از روشنفکران و افسران جوان گارد سلطنتی در آن عضویت داشتند و هدف آنها برقراری حکومت سلطنتی بر طبق قانون اساسی بوده و همچنین می‌خواستند سرفها (دهقانان وابسته به زمین) را که در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کردند، آزاد سازند. در زمان سلطنت نیکلای اول وضع آشفته شد. بیش از دو هزار تن از سربازان و افسران گارد در پتربورگ دست به شورش زدند و چون این شورش پایه و اساسی نداشت و از طرف مردم حمایت نشد، سرکوب گردید و پنج نفر از سر-دسته‌های آنان بدار آویخته شدند و بقیه نیز تحت تعقیب قرار گرفتند. گریبایدوف نیز در این انجمن فعالیت‌هایی داشته است. (مترجم)
- ۲۳- به (پرونده پتروسفنتس‌ها) جلد سوم، صفحه ۵۰ مراجعه شود.
- ۲۴- شارل فوریه (۱۸۳۷-۱۷۷۲ م.) از دانشمندان برجسته سوسیالیسم تخیلی فرانسه (مترجم)
- ۲۵- ای. ای. خادزکو (۱۸۸۱-۱۸۰۰ م.)، نقشه‌بردار و سیاح روسی که از سال ۱۸۴۰ م. سرپرستی شعبه نقشه‌برداری در قفقاز را به عهده داشت.
- ۲۶- پ. پ. سمونوف، تاریخ نیم قرن فعالیت انجمن جغرافیائی امپراتوری روسیه در سالهای ۱۸۹۵-۱۸۴۵ م. صفحه ۶۵
- ۲۷- به کتاب دوم "تغلیس"، سال ۱۸۵۳ م. صفحات ۱۵۲-۶۶ مراجعه شود
- ۲۸- به مجله اخبار انجمن جغرافیائی امپراتوری روسیه، قسمت چهارم کتاب اول مراجعه شود.
- ۲۹- پ. س. ساولیف (۱۸۵۹-۱۸۱۴ م.) خاورشناس و عرب-شناس و باستانشناس و یکی از بنیانگذاران انجمن باستانشناسی روسیه و یکی از فعالین انجمن جغرافیائی روسیه.
- ۳۰- پ. س. ساولیف، "مجله اخبار روسیه"، کتابهای خارجی و خاورشناسان روسی، جلد دوم، کتاب دوم، سال ۱۸۵۶ م.، صفحه

۳۱- برای اطلاعات بیشتر به کتاب "سیاست روسیه در آسیای میانه در سالهای ۱۸۶۸-۱۸۵۷م". اثرن. آ. خالفین، چاپ مسکو، سال ۱۹۶۰ م. صفحات ۱۱۳ - ۶۰ رجوع شود.

۳۲- پ. پ. سنوف، تاریخ نیم قرن فعالیت انجمن جغرافیائی روسیه، صفحه ۳۰۷، سند مذکور در همین کتاب به تفصیل آمده است و در اینجا نیازی به تفسیر ندارد.

۳۳- پ. پ. سنوف، تاریخ نیم قرن فعالیت انجمن جغرافیائی روسیه، صفحه ۳۰۸

۳۴- دورپات نام آلمانی و سوئدی شهر تارتو است که توسط یکی از امیران کیف بنا شد. دانشگاه این شهر معروف بوده و این دانشگاه توسط گوستاو دوم پادشاه سوئد تاسیس گردیده است. شهر تارتو مدتی مورد اختلاف کشورهای روسیه، سوئد و لهستان بوده و هم اکنون یکی از شهرهای جمهوری شوروی استونی است. (مترجم)

### نامه‌های سیاسی دهخدا

درموضوع مبارزه با محمد علی شاه

نشر صور اسرافیل در اروپا

انتخابات مجلس دوم

راهسازی شوسه خراسان

به کوشش

ایرج افشار

منتشر شد

